

اخبار

سید معیشت ۴۳ میلیون تومانی دی ماه دو برابر جهش پیدا کرده است

نماینده جامعه کارگری گفت: سید معیشت دی ۱۴۰۴ بر اساس نرخ تورم ۴۲.۹ میلیون تومان بود. کمیته مزد از تیر محاسبات ماهانه را آغاز کرده و با توجه به نرخ تورم، هزینه زندگی بیش از دو برابر شده است.

به گزارش مهر، اول شهریور ۱۴۰۵ جلسه شورای عالی کار با دستور جلسه «بازنگری دستمزد ۱۴۰۵» با حضور شرکای اجتماعی این شورا در محل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد. اسعد صالحی، نماینده جامعه کارگری در شورای عالی کار در خصوص نتیجه این جلسه به خبرنگار مهر گفته بود، بر اساس مصوبه اسفند ۱۴۰۴ حوزه بن کارگری و تغییرات نرخ تورم کالاهای اساسی در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ باید تشکیل شود. بنا براین، بر اساس این مصوبه قرار است عدد سید معیشت از سوی کمیته مزد احصا و به شورای عالی کار اعلام شود. محسن باقری، نماینده جامعه کارگری در کمیته مزد در پاسخ به این پرسش خبرنگار مهر که کمیته مزد چه تاریخی برگزار می‌شود، اظهار کرد: هنوز دعوت‌نامه‌ای از سوی رئیس کمیته مزد که نماینده دولت در این کمیته است برای اعضا ارسال نشده است. وی گفت: بر اساس بند ۱۰ مصوبه ۱۴۰۴ در خصوص مزد ۱۴۰۵ جامعه کارگری، قرار بر این است در شهریور ماه امسال، بازنگری در میزان دستمزد داشته باشیم. این نماینده جامعه کارگری با اشاره به پیشنهاد نمایندگان کارگری در شورای عالی کار مبنی بر اجرای این بند، اظهار کرد: سید معیشت برای دی ۱۴۰۴ بر اساس نرخ تورم اعلامی مرکز آمار ایران در همین دی، مبلغ ۴۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان بود. کمیته مزد از تیر ماه محاسبات ماهانه را آغاز کرده و با توجه به نرخ تورم، هزینه زندگی بیش از دو برابر افزایش یافته و نیازمند تشکیل جلسه کمیته مزد است. عضو کمیته مزد با اشاره به نرخ تورم ۱۴۰ درصدی گروه هوک‌های و آشامیدنی‌ها، یادآور شد: هزینه زندگی جهش قابل توجهی داشته که در نوع خود بی‌سابقه است. بنا براین، بر اساس بند ۱۰ مزد ۱۴۰۵ مصوبه ۱۴۰۴ و نیز نرخ تورم کالاهای اساسی دستمزد ۱۴۰۵ جامعه کارگری باید مورد بازنگری قرار گیرد. باقری در پایان عنوان کرد: تشکیل کمیته مزد نشانه وجود اراده برای این بازنگری بوده که امیدواریم هر چه زودتر انجام شود.

۱۰۲ میلیون تن کالای اساسی از بنادر کشور جابه‌جا شد



مدیرکل دفتر حمل‌ونقل کالای سازمان راهداری با اشاره به جابه‌جایی کالاهای اساسی از بنادر کشور گفت: طی پنج ماه نخست امسال، ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار تن انواع کالای اساسی از بنادر کشور حمل شده است.

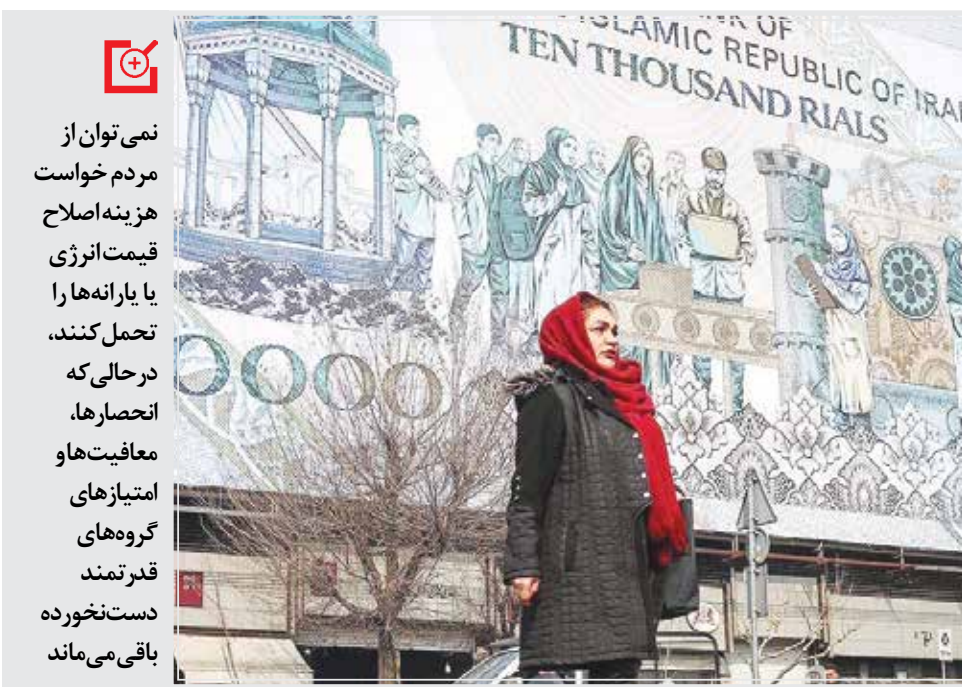
به گزارش مهر، مهرداد حمداللهی، مدیرکل دفتر حمل‌ونقل کالای سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای با اشاره به حجم جابه‌جایی کالا در شبکه جاده‌ای کشور گفت: طی پنج ماه نخست سال جاری، ۳۳۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تن انواع کالا توسط ناوگان حمل‌ونقل عمومی در جاده‌های کشور جابه‌جا شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، حدود ۳ میلیون تن افزایش داشته است. وی افزود: در این مدت، ۱۵ میلیون و ۲۰۰ هزار بارنامه برای سفرهای ناوگان حمل‌ونقل کالا صادر شده و عملیات انتقال کالا در سطح شبکه جاده‌ای کشور انجام شده است. حمداللهی با اشاره به جابه‌جایی کالاهای اساسی از بنادر کشور بیان کرد: طی پنج ماه نخست سال جاری، ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار تن انواع کالای اساسی از بنادر کشور حمل شده است. مدیرکل دفتر حمل‌ونقل کالای سازمان راهداری ادامه داد: همچنین در این مدت، ۴۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تن کالای کشاورزی، دامی و غذایی در شبکه جاده‌ای کشور جابه‌جا شده است. وی با بیان اینکه بخش حمل‌ونقل کالای جاده‌ای با ظرفیت گسترده‌ای در حال فعالیت است، گفت: عملیات جابه‌جایی کالا با استفاده از ۴۸۰ هزار و ۵۷۶ دستگاه ناوگان باری انجام می‌شود که میانگین عمر کاری این ناوگان ۱۹ سال است. حمداللهی افزود: حدود ۵۶۷ هزار راننده فعال در بخش حمل‌ونقل کالای بین‌شهری در جابه‌جایی کالا در سطح کشور مشارکت دارند.



واکاوی دلایل به سرانجام نر سیدن اصلاحات اقتصادی

اتحاد علیه اصلاحات اقتصادی

حسین سلاح ورزی می گوید: مقاومت در برابر اصلاحات، الزاماً از بخش خصوصی یا گروه‌های ذی‌نفع بیرون از دولت سرچشمه نمی‌گیرد و گاهی خود دستگاه اداری یکی از مهم‌ترین مدافعان وضع موجود است.



از قیمت واقعی عرضه می‌کند، برای برخی صنایع تعرفه حمایتی وضع می‌کند یا گروه‌هایی را از پرداخت مالیات معاف می‌کند، در ابتدا ممکن است هدف مشخصی مانند حمایت از تولید، کنترل قیمت یا حفاظت از اشتغال داشته باشد.

اما اگر این سیاست ادامه پیدا کند، فعالیت‌هایی پیرامون آن شکل می‌گیرد که سودآوری‌شان به تداوم همان امتیاز وابسته است. از اینجا به بعد، سیاست به منبع توزیع رانت تبدیل می‌شود. بنگاه‌هایی که به ارز ترجیحی، انرژی ارزان، بازار انحصاری یا اعتبار بانکی ارزان دسترسی دارند، بخشی از الگوی کسب‌وکار خود را براساس این مزیت شکل می‌دهند. هرچه سیاست طولانی‌تر شود، وابستگی به آن بیشتر می‌شود، در نتیجه هزینه حذف آن نیز برای ذی‌نفعان افزایش می‌یابد.

لکته مهم این است که منافع چنین سیاست‌هایی معمولاً متمرکز و

هزینه‌های آنها پراکنده است.

ممکن است شمار زیادی بنگاه از یک حمایت خاص منفعت قابل‌توجهی کسب کنند، درحالی‌که هزینه آن از طریق تورم، مالیات، کسری بودجه یا کاهش بهره‌وری میان میلیون‌ها نفر توزیع شود. بنابراین ذی‌نفعان، انگیزه بسیار بیشتری برای سازمان‌یابی و دفاع از سیاست دارند، درحالی‌که زیان‌دیدگان انگیزه و امکان کمتری برای مقابله با آن پیدا می‌کنند. به مرور زمان، این گروه‌ها علاوه‌بر منابع مالی، اطلاعات تخصصی، شبکه ارتباطی و قدرت لابی نیز به‌دست می‌آورند. حتی ممکن است میان آنها و بخش‌های یا بوروکراسی، سیاستمداران یا نهادهای تصمیم‌گیر پیوندهایی شکل گیرد.

در چنین شرایطی، تلاش برای حذف یک امتیاز با مجموعه‌ای از استدلال‌ها دربرابر تهدید اشتغال، افزایش قیمت، ورشکستگی تولیدکنندگان یا پیامدهای اجتماعی مواجه می‌شود. اینجاست که چرخه‌ای خودتقویت‌شونده شکل می‌گیرد. سیاست نادرست رانت ایجاد می‌کند، رانت ذی‌نفع می‌سازد، ذی‌نفع قدرت سیاسی و سازمانی پیدا می‌کند و این قدرت برای جلوگیری از اصلاح همان سیاست به‌کار گرفته می‌شود. بنابراین حق وتوی پنهان لزوماً حقی قانونی نیست؛ قدرتی است که از توان بالا بردن هزینه سیاسی و اقتصادی اصلاح ناشی می‌شود. به همین دلیل، هرچه یک سیاست نادرست بیشتر دوام یابد، مقاومت آن را معمولاً دشوارتر می‌شود.

به‌نظر شما سازوکارهای بوروکراسی، رقابت میان دستگاه‌های دولتی و تعارض منافع سازمانی چگونه می‌تواند اراده سیاست‌گذار را برای اصلاح از درون دولت خنثی کند و چرا برخورداری دولت از اختیار قانونی، الزاماً به‌معنای برخورداری از قدرت واقعی برای تغییر نیست؟ پیش از این هم اشاره کردم که یکی از خطاهای رایج در تحلیل سیاست‌گذاری این است که دولت را بازیگر یکپارچه تصور کنیم. گویی تصمیمی در راس دولت گرفته می‌شود و تمام اجزای دستگاه اجرایی موظف‌اند آن را بی‌کمی‌نگاهت اجرا کنند. در عمل، دولت مجموعه‌ای از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی، نهادهای تنظیم‌گر و دستگاه‌های اجرایی است که هرکدام اهداف، منافع، منابع و حوزه نفوذ خاص خود را دارند.

به همین دلیل، تصمیمی که از منظر کل اقتصاد اصلاح محسوب می‌شود، ممکن است از منظر یک دستگاه به‌معنای از دست رفتن بودجه، اختیار، نیروی انسانی یا قدرت سازمانی باشد. اصلاح یک شرکت دولتی، حذف یک یارانه یا تغییر سازوکار تخصیص ارز می‌تواند

منابع و اختیارات سازمان‌هایی را محدود کند که سال‌ها متولی آن سیاست بوده‌اند. بنابراین مقاومت در برابر اصلاحات الزاماً از بخش خصوصی یا گروه‌های ذی‌نفع بیرون از دولت سرچشمه نمی‌گیرد و گاهی خود دستگاه اداری یکی از مهم‌ترین مدافعان وضع موجود است. این مقاومت نیز لزوماً به شکل مخالفت آشکار با تصمیم دولت ظاهر نمی‌شود. بوروکراسی ابزارهای کهنه‌رنت‌ر و موثرتر در اختیار دارد؛ تدوین دیر هنگام آیین‌نامه‌ها، افزودن تبصره و استثناء، تفسیر محدودکننده قوانین، طولانی کردن فرآیند اداری، انتقال مسئولیت میان دستگاه‌ها، ارائه اطلاعات ناقص و اجرای گزینشی تصمیم. در نتیجه ممکن است سیاستی رسماً تصویب شده باشد، اما هنگام اجرا چنان تغییر کند که بخش مهمی از هدف اولیه آن از بین برود. رقابت میان دستگاه‌هایی نیز این مشکل را تشدید می‌کند.

بسیاری از اصلاحات اقتصادی ماهیتی فرایضی دارند و اجرای آنها مستلزم همکاری چند وزارتخانه و سازمان است. اگر هزینه اصلاح بر عهده یک دستگاه باشد اما منفعت آن نصیب دستگاه یا بخش دیگری شود، انگیزه همکاری کمرنگ می‌شود. هر سازمان نیز ممکن است دستگاه‌های دیگری را برای تصمیم‌را به دیگری منتقل کند. اینجاست که تفاوت میان اختیار قانونی و قدرت واقعی آشکار می‌شود. دولت ممکن است طبق قانون اختیار تغییر سیاست را داشته باشد، اما برای اجرای آن به اطلاعات، هماهنگی، ظرفیت اجرایی و همراهی دستگاه‌هایی نیاز دارد که الزاماً انگیزه‌ای برای تغییر ندارند. بنابراین یکی از مهم‌ترین صاحبان حق وتوی پنهان می‌تواند درون خود دولت قرار داشته باشد. در چنین ساختاری، خیلی مهم است که بدانیم چه کسانی می‌توانند تصمیم گرفته‌شده را اجرا نکنند، به تأخیر بیندازند یا آنقدر تغییر دمند که اصلاح، بدون آنکه رسماً لغو شده باشد، عملاً شکست بخورد.

* به‌نظر شما ترس از اعتراض اجتماعی و هزینه‌های سیاسی اصلاحات چگونه پیش از وقوع هر واکنشی به نوعی وتوی پیشگیرانه تبدیل می‌شود و چه شرایطی لازم است تا سیاست‌گذار بتواند اصلاحاتی مانند تغییر قیمت انرژی، سیاست ارزی، یارانه‌ها یا نظام بانزشستگی را بدون عقب‌نشینی به اجرا درآورد؟ این پرسش خیلی مهم است، چراکه به‌نظر من یکی از پیچیده‌ترین موانع اصلاحات اقتصادی این است که گاهی برای متوقف شدن یک تصمیم، نیازی به وقوع اعتراض یا مخالفت سازمان‌یافته نیست. تصور سیاست‌گذار از واکنش احتمالی جامعه می‌تواند پیشاپیش تصمیم را متوقف کند. در چنین وضعیتی، انتظار اعتراض، خود به بازیگری موثر در فرآیند سیاست‌گذاری تبدیل می‌شود.

دولت می‌داند اصلاح قیمت انرژی، ارز، یارانه‌ها یا صندوق‌های بانزشستگی گروه‌هایی را متضرر می‌کند و همین تصور از هزینه‌های اجتماعی و سیاسی ممکن است باعث تعویق، تعدیل یا کنار گذاشتن اصلاح شود. ریشه این مشکل را هم باید در ماتمقارن بودن هزینه و فایده اصلاحات جست‌وجو کرد. بسیاری از اصلاحات اقتصادی در کوتاه‌مدت هزینه دارند، اما منافعهشان در بلندمدت ظاهر می‌شود.

افزایش قیمت انرژی امروز در بودجه خناور احساس می‌شود، درحالی‌که کاهش کسری بودجه، افزایش سرمایه‌گذاری با بهبود بهره‌وری ممکن است سال‌ها بعد نتیجه بدهد. اصلاح نظام‌بانزشستگی نیز ممکن است اکنون به افزایش سن بانزشستگی یا تغییر مزایا منجر

در این مراسم، عملیات تکمیلی احداث قطعه دوم جاده کمربندی مسجدسلیمان تا مرحله بسترسازی، کلنگ‌زنی

شد. این پروژه با نظارت مدیریت مهندسی و ساختمان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان و در مدت زمان ۱۸ ماه اجرا خواهد شد.

در ادامه، پروژه‌های بهسازی جاده دسترسی به شهر عنبر به طول ۱۰ کیلومتر، بهسازی جاده دسترسی حد فاصل

اهواز -

سید رسول محمدی

همزمان با هفته دولت، آیین افتتاح و کلنگ‌زنی پروژه های عام المنفعه راهسازی توسط شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان، با حضور دکتر رضا جباری نماینده مردم مسجدسلیمان، لالی، هفتکل و اندیکا در مجلس شورای اسلامی،مهندس شهرام ذوالفقاری مدیرعامل شرکت، جابود شیخ فرماندار مسجدسلیمان و جمعی از مسئولان شهرستان برگزار شد.



ابتدا رشد ۱۵۱ هزار واحدی، سپس هجوم عجیب فروشندگان دو نیمه متفاوت معاملات بورس

بار دیگر قدرت تقاضا در بازار نمایان شده است. به این ترتیب، شاخص کل تنها کمتر از هزار واحد با ورود به کانال ۶.۷ میلیون واحد فاصله داشت، اما افزایش شدید عرضه ها مانع از فتح این کانال شد. در ادامه، شاخص کل حدود ۱۱ هزار واحد از اوج روزانه خود عقب نشست و در نهایت با رشد کمتر از ۳۶ هزار واحدی به کار خود پایان داد.

شاخص هم وزن نیز با افزایش ۳ هزار و ۶۷۱ واحدی معادل ۰.۲ درصد، در سطح یک میلیون و ۸۲۵ هزار و ۳۴۹ واحد قرار گرفت. رشد محدود این شاخص در پایان معاملات نشان می‌دهد که فشار فروش در نمادهای کوچک و متوسط

نیز در نیمه دوم روز به شکل محسوسی افزایش پیدا کرده است.

چرخش ناگهانی بازار در نیمه دوم
در ساعات ابتدایی معاملات، شرایط کاملاً متفاوت بود. تقاضا قدرت بالایی داشت و بخش بزرگی از نمادها در محدوده مثبت معامله می شدند. روند معاملات به گونه ای پیش رفت که رسیدن شاخص کل به کانال ۶.۷ میلیون واحد کاملاً در دسترس به نظر می رسید.

اما در ادامه، موج عرضه ها با شدت زیادی وارد بازار شد. این فشار فروش فقط باعث کاهش قیمت برخی نمادها نشد، بلکه در تعداد قابل توجهی از سهم ها صف های خرید نیز عرضه شد و برخی نمادهایی که در ابتدای روز در محدوده مثبت قرار داشتند، در ادامه حتی به محدوده منفی و صف فروش رسیدند. در پایان معاملات تنها ۲۴۵ نماد در محدوده مثبت قرار داشتند، در حالی که ۶۱۰ نماد با کاهش قیمت مواجه شدند. همچنین تعداد صف های خرید به ۱۱۹

بازاروسرمایه

شود، اما جلوگیری از ورشکستگی صندوق‌ها منفعتی مربوط به آینده است. سیاستمدار در چنین شرایطی با هزینه‌ای فوری و منفعتی دیر هنگام مواجه می‌شود. این مسئله در شرایط تورمی و کاهش قدرت خرید شدیدتر هم می‌شود. وقتی بخش بزرگی از جامعه احساس می‌کند درآمدها از هزینه‌های زندگی عقب مانده است، حتی اصلاحی گروه‌های آسیب‌پذیر، اجرای اقتصادی فقط به تصمیم کارشناسی درست نیاز معیشت تلقی شود. تجربه اصلاحات ناموفق گذشته نیز اهمیت دارد. اگر مردم تصور کنند هزینه اصلاح را آنها می‌پردازند، اما منافع آن به گروه‌های خاص می‌رسد، اعتماد به وعده‌های دولت کاهش می‌یابد. به همین دلیل، اصلاح اقتصادی فقط به تصمیم کارشناسی درست نیاز ندارد. به سرمایه سیاسی و اعتماد عمومی نیز وابسته است. دولت باید بتواند ضرورت اصلاح را توضیح دهد، هزینه‌ها و منافع آن را شفاف کند و نشان دهد که بار اصلاح عادلانه توزیع می‌شود. حمایت مستقیم از گروه‌های با اختلاف آلتی سیاستمداران از سوی بازار باید یجاد می‌کند که دولت خود نیز به سیاستش اطمینان ندارد و احتمال عقب‌نشینی را افزایش می‌دهد.

بنابراین برای شکستن وتوی پیشگیرانه، اعتماد عمومی، ظرفیت جبران هزینه بازندگان و انسجام سیاسی در اجرای تصمیم اهمیت حیاتی دارند. بدون این سه عامل، حتی سیاست‌گذاری که ضرورت اصلاح را کاملاً درک کرده است ممکن است به این نتیجه برسد که هزینه تغییر از هزینه ادامه وضع موجود بیشتر است.

* با این توصیف چگونه می‌توان قدرت وتوکنندگان پنهان را محدود کرد و چه اصلاحات نهادی و سیاسی لازم است تا دولت بتواند از چرخه تعویق یا شکست اصلاحات اقتصادی خارج شود؟

خروج از این وضعیت بیش از آنکه به یافتن سیاست‌های بهتر نیاز داشته باشد، به اصلاح سازوکار تصمیم‌گیری و اجرا نیاز دارد. در بسیاری از حوزه‌های اقتصاد ایران، مسئله اصلی ناشناخته بودن راه‌حل نیست؛ بخش مهمی از راه‌حل‌ها سال‌هاست شناخته شده‌اند. مسئله این است که چگونه می‌توان ائتلافی ساخت که قدرت اجرای اصلاحات را از قدرت مخالفان آن بیشتر کند.

نخستین گام، شفاف کردن محل‌های وتوی پنهان است. هرچه فرآیند سیاست‌گذاری مهیمر باشد، امکان اثرگذاری گروه‌های ذی‌نفع بیشتر می‌شود. باید روشن باشد چه دستگاهی مسئول تصمیم‌گیری است، چه کسانی از سیاست موجود منفعتی می‌برند، هزینه آن را چه کسانی می‌پردازند و مخالفت یا تغییر از کجا سرچشمه می‌گیرد. شفافیت درباره یارانه‌ها، معافیت‌های مالیاتی، تسهیلات ترجیحی، مجوزها و سایر امتیازها می‌تواند هزینه سیاسی دفاع از رانت را افزایش دهد. گام دوم، اصلاح تدریجی، اما معتبر است. هزینه آن بزرگ و ناگهانی، به‌ویژه در اقتصادی گرفتار تورم و کاهش قدرت خرید، می‌تواند ائتلاف بزرگی از مخالفان ایجاد کند. در مقابل، اصلاح مرحله‌ای همراه با جدول زمانی روشن، امکان سازگاری خانوارها و بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد.

البته تدریجی بودن نباید به‌معنای تعویق دائمی باشد. اگر فعالان اقتصادی احتمال بدهند دولت در نخستین مقاومت عقب‌نشینی می‌کند، انگیزه مخالفت افزایش می‌یابد. ضرورت بعدی، تغییر زبان گروه‌هایی است که واقعاً از اصلاح چیز می‌بینند. هر اصلاح اقتصادی برنده و بازنده دارد. هنر سیاست‌گذاری این نیست که اصلاحی بدون بازنده طراحی کند، بلکه باید بخشی از منافع حاصل از اصلاح را برای کاهش هزینه گروه‌های آسیب‌پذیر به‌کار گیرد. برای مثال، اصلاح قیمت انرژی بدون طراحی نظام حمایتی موثر، می‌تواند یک مسئله اقتصادی را به بحرانی اجتماعی تبدیل کند. اصلاح بوروکراسی نیز اهمیت زیادی دارد. مسئولیت اجرا باید مشخص و قابل ارزیابی باشد. دستگاهی که می‌تواند با یارانه‌ها یا تدوین آیین‌نامه یا اجرای ناقص، یک تصمیم را خنثی کند، باید در برابر نتیجه عملکرد خود پاسخگو باشد. کاهش تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تعیین یک متولی مشخص برای اصلاحات بزرگ می‌تواند امکان وتوی درون‌دولتی را محدود کند. اما مهم‌تر از همه، اصلاحات به اعتماد نیاز دارند.

جامعه باید اطمینان پیدا کند که هزینه تغییر عادلانه توزیع می‌شود و گروه‌های برخوردار از رانت نیز سهم خود را می‌پردازند. نمی‌توان از مردم خواست هزینه اصلاح قیمت انرژی یا یارانه‌ها را تحمل کنند، درحالی‌که انحصارها، معافیت‌ها و امتیازهای گروه‌های قدرتمند دست‌نخورده باقی می‌ماند. بنابراین راه خروج، فقط افزایش قدرت دولت نیست. باید هزینه دفاع از وضع موجود افزایش یابد، هزینه همراهی با اصلاح کاهش پیدا کند و ائتلاف اجتماعی و سیاسی حامی تغییر شکل گیرد. اصلاح زمانی امکان‌پذیر می‌شود که ادامه سیاست نادرست برای سیاستمدار و ذی‌نفعان، پرهزینه‌تر از تغییر آن باشد.

سهراهی هفت شهیدان تا روستای سلیران و روستاهای جاجو علیا و سفلی به طول ۱۶ کیلومتر و همچنین بهسازی جاده دسترسی به روستای آبرآلو عرب به طول یک کیلومتر به بهره‌برداری رسید.

همچنین پروژه بهسازی مسیر دسترسی به میدان نفتی هفتکل در حفاصل پل تمبی تا پل سی‌مایلی نیز افتتاح شد. این مسیر به طول ۲/۲۲ کیلومتر و عرض ۷.۵ متر، بهسازی و روکش آسفالت شده است.

در این مراسم، عملیات تکمیلی احداث قطعه دوم جاده کمربندی مسجدسلیمان تا مرحله بسترسازی، کلنگ‌زنی شد. این پروژه با نظارت مدیریت مهندسی و ساختمان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان و در مدت زمان ۱۸ ماه اجرا خواهد شد.

در ادامه، پروژه‌های بهسازی جاده دسترسی به شهر عنبر به طول ۱۰ کیلومتر، بهسازی جاده دسترسی حد فاصل



حق تقدم و صندوق های سهامی خارج شد.

سرانه خرید حقیقی ها ۸۷.۵ میلیون تومان و سرانه فروش ۱۴۱.۶ میلیون تومان بود و قدرت خرید حقیقی ها به منفی ۱.۶۲ رسید. بنابراین فروشندگان حقیقی هم از نظر جریان پول و هم از نظر متوسط ارزش معاملات هر، کم برتری محسوسی نسبت به خریداران داشتند.

همزمان ۲ هزار و ۷۷ میلیارد تومان نیز از صندوق های درآمد ثابت خارج شد.